گلچین خاطرات مسافران راهیان نور

مراسم بدرقه ما تمام شد و همگی سوار اتوبوس شديم و با حركت أن دل من هم به سوى آن سرزمين

اولین بار بود که مي آمدم و هيچ وقت فكر نمی کردم که شهداء منو به خانه شان دعوت كنند ودعوتنامه ي منو امضاء كنند ، او نا آخرين لحظه منو به خاك پاكشون دعوت كردند، اصلاً تصورش را نمی کردم که این مناطق اینطوری منو با دانشجویانی دیگه تحت تاثیر قرار بده و خودمو و دنیای خودم رو از

اولین جایی که ما رو بردند اروند کنار بود، وقتی آن منطقه مقدس را دیدم دیگه نتونستم خودمو کنترل کنم و هر چی عقده کهنه بود باز كردم. با شهيدان نشستم و گفتم: آخه شما كه این همه پاک و بامعرفت بودید ، شمایی كه نزد خدا آبرو دارید ، هم خلق خدا ، چرا زودتر منو دعوت نکردین الادیگه از خودم خیلی

شدیم و راوی که می گفت چطور بعثی ها برادران مظلوم ما رابه باد شیمیایی گرفتند و شهیدشون کردند این لحظه فکر کردم کاش من هم اونجا بودم و مثل اونا ، خودمو آماده خودسازی می کردم و از او نایی که بهم گفته بودند که شلمچه هیچ چیز ندارد که تو می خوای بری بدم می آمد ولی اگر این ها هم

می شد ، آنجایی که سال های ساًل خاطرات و اشک ها و ناله ها را در خود نگه داشته را لمس كنم نه با دست بلكه با تمام

بسیجی بمانم.

و پرکشیدند. یا طلائیه که خاكش يادآور علمدار كربلا، قمربنی هاشم که تشنه به شهادت رسیدند یا فکه که آوینی ها در آن خاک وی کی غلتیدند ،حالا دلم بی قرار چیزی است که تا به آن لحظه ندیده بودم، يعنى نديده عاشق شدم، دوست داشتم همه این مسافت در یک ٔثانیه طی

راه رسیدن و عشق به سرور و سالار شهیدان اباعبدالله الحسين پرازسختي هاست، زائرش باید صبور و قوی باشد . من اگر چه به آن سرزمین مقدس رفتم اما روحمو در اون مكان ها جا گذاشتم و أرزو مي كنم هميشه

رفت وهنوز چشم انتظارم

پایگاه الزامی بود اما او دست برنمی داشت و بالاخره اسم او در ليست اعزاميان به جبهه قرار گرفت . سرمست و خوشحال بود . سر از پا نمی شناخت وقتی به خانه آمد و جریان را برا*ی* من گفت بسیار ناراحت شدم . اما او لبریز از شادی و شعف بود . گفتم :

از آنان چه می توان گفت ؟ با

كدامين واژگان از آنان بگوييم كه

كلام را تحمل اين همه عظمت و ابهت

شهیدان، اختران پاینده آسمان

عشق و ایمانند تا برپیوندگان وادی

ضلالت راه نمایند و قله های

نام و نام خانوادگی: اسحاق مریدی زاده تاریخ تولد :۱۳۲۸/۸/۱ تاریخ شهادت : ۲۱/۵/٦ یگان اعزام کننده : ارتش كارمند: نيروى هوايي محل دفن : مفقود الاثر

سالی که قصد رفتن به جبهه را داشت با

اعزام او مخالفت كردند چون وجودش در

اسحاق بچه ها كوچك هستند و نياز به مراقبت دارند ، بمان و برایشان پدری کن جواب داد: خدای آنها بزرگ است ، در ضمن این یک ماموریت یک ماهه بیشتر نیست انشالله زود برمی گردم او رفت و دقیقا یک ماه بعد

یکی از روزها که مشغول خواندن نماز بود، کنارش نشستم و منتظر ماندم. تا با او حرف بزنم. رو به من كرد و گفت: بأز هم مي خواهم به جبهه بروم . با تعجب گفتم : تو تازه آمده ای ، چرا دوباره می خواهی مرا با همه این مشكلات تنها بگذاري؟

عملیات مردی به گستره عشق

هنوز در حملیات شرکت نکرده ام حالا دلم مى خواهد اجازه بدهى كه بازهم به جبهه بروم. سكوت كردم و او نيز رفت و من هنوز چشم انتظارم تا باز گردد ... مرید حضرت علی (ع)

برای آشنا و غریب نمونه یک انسان واقعی بود. اگر فرد محتاجی را می شناخت با هر زحمتی که بود پولی فراهم می کرد و به او می بخشید تا مشکل او را حل نماید . در کمک کردن بین دوست و همسایه تفاوتی قائل نمی شد . شبانه به در خانه فقرا و يتيمان مي رفت و مواد غذايي مى برد . اين موضوع را زمانى فهميدم كه شهيد شده بود . تمام آن خانواده ها برایم تعریف كردند كه اسحاق همانند مولايش حضرت على

مردى به گستره عشق به نماز اول وقت اهمیت می داد و خواندن قرآن را در وقتهای معین جز برنامه خود قرار داده بود ، در زمان نوجوانی صبح زود برادر

(ع) شبانه به درد مستمندان می رسید و دستشان را می گرفت .

بزرگش را از خواب بیدار می کرد و به نماز مى ايستاد ، او همه ايمانش را از همان اوان

کودکی در دامان مادر آموخته بود . همین امر از او مردی ساخت به گستره عشق. برگرفته از کتاب رد پای عشق از اعظم یشت مشهدی

عبور از کوچه های تنهایی ساده نیست

يكبار، فقط يكبار به اين مناطق بيان مي فهمند که اینجا کجاست؛ اینجا کربلاست که هزاران

> یر کشیدی. در دلت خانه کردم ، به زیارت خانه عشق رفتی.

بدم اومده بود . وقتى كه وارد خاك شلمچه

تو خود می دانی اگر دستان سبزت را دریغ می کردی، اگر ما را از پی قافله ها نمی بردی ، کسی نبود هادی راهمان شود ومردی از جنس باران از بهشت قرآن جدا نمی شد تا قنوت نمازمان را به هفت قله عشق

دلتنگ تر از تمام ابرهای آسمان به

كبوتران باز نگشته ، مى انديشم. چرا ما آوارگان کوچه های بن بست جهل و غرور به

خاطره ای و خطی سرخ در امتداد پروازشان

خود جا مانديم.

رویش یاکی ها و قابلیت طراوت و تا قاف! و ما هنوز در خویشتن فرو شادابي فراخوانند .

گيج مي رفت ولي انگار حال من ازبقيه بهتر

بود . بوسیله بی سیم وضعیت را گزارش

مى كرديم . تصميم گرفتم با موتور خودم را

به بهداری برسانم ، راه زیادی نبود . حالت

تهوع و سرگیجه حواسم را پرت می کرد . برای

بیگانه از خود در پی اعداد و ارقام گم افراشته برتارک زمین اند تا عروج شدیم و ازما چیزی نماند. بنی آدم را از خاک تا افلاک گواهی خبر ازدحام اندیشه های خاکی مان در دهند و چشمه سار زلال جاری هیاهوی شهر و از آن پرستوهای روزگارانند تا كويرهايي تفتيده و مهاجر چیزی باقی نماند جز یادی و داغدار وجود آدمیان را به استعداد

زور و تزویر لبخند زدیم و فراموشمان شد

که بالی داشتیم و فرصت پروازی ! ؟ ما در

طوفان ستیهنده بربستر زمانند

تا بر سپاه ابلیس یورش برند و دوزخیان روی زمین را از عبودیت و بندگی شیطان رهایی

از شهیدان چه می توان گفت؟

آری مگر برای آنان که با حسین (ع) كربلا همراه بودند و خون قلب خويش را با آن همه اخلاص و ايثار فدا كردند، جز فلاح و نجات و رستگاری بنی آدم هدف و مقصدی دیگر می توان تصور کرد که امامشان فرمود: خط الموت على ولد آدم مخط القلاده على جيد ر الفتي.

مرگ سرخ برای فرزند آدم همچون گردنبندی است زیبا بر گردن

دختری زیبا و جوان. به روشني محسوس است که از اعماق روزگاران و در طول تاریخ حیات و در میان همه عصرها و نسل ها فریاد فرزند زهرا (س) که: آیا کسی هست مرا یاری کند؟ هرگز بى پاسخ نمانده است و عليرغم جوسازی و شایعه پراکنی و دروغ پردازی های مستمر جبهه باطل،

آنان ازقوم پابرهنگان و محرومان و مستضعفان بودند و از طایفه کوخ نشینان، طعم فقر و محرومیت را چشیده و با تمام وجود حس کرده

شهیدان این لشکریان مخلص خدا كم نبوده اند .

لبريزاز اشتياق وصال، سينه شان

اعتراض

باید برای کوچه های سوخته مرثیه گفت

باید زبان اعتراف گشود...

وقتى كه تندباد شقاوت

ديروز را بياد بياور

مالامال كينه عليه دشمن تجاوزگر بودند . دردمندی از قبیله یاران و سرانجام كارشان شهادت. راستین خمینی کبیر. کوله بارشان پربود ازغنا بی نیازی و قلبشان یادشان گر امی

و ما ہی خانمان شدیم

دشنه سخن گفتند

در فصل سبز «رَستن و رُستن» با ما، با زبان

و نخلهای سبز، دسته دسته فرو افتادند

باید زبان اعتراض گشود که؛

«پرنده نخواهد مرد»

اما جهان، حماقت خود را، استوار ایستاد

باید برای کوچه های سوخته مرثیه گفت

را در بعضی مناطق غیرممکن کرده بود. بچه های واحد ما در شیاری مستقر بودند و دفتريه گل ياس بعضا برای شناسایی جلو می رفتیم . هر چه بود بچه ها با هم مریض شده بودند. باید برای خاک گریست راستش وضع من هم تعریفی نداشت، سرم

▶ یکباره احساس عجیبی وجودم را فراگرفت. حس کردم هوا خنک شده است. نوری آبی رنگ مثل سپیده صبح همه جارا فرا گرفت

(ساختمان سازان به ویژه انبوه سازان

صنف پلاستیک فروش،

كانكس سازان وسردخانه سازان)

استان هرمزگان

اولين توليد كئنده پلاستوقوم

در چنوپ کشور

تولید کننده انواع بلوکهای سقفی و پانل های دیواری

با پلاستوفوم از نوع کند سوز همچنین ورق های

پلاستوفوم با سایزهای سفارشی از نوع معمولی

مورد مصرف پلاستیک فروشی ها

هر كونه سفارشي پذيرفته مي شود

بندر عباس : چهار راه رسالت ساختمان تجاری بنیاد

طبقه ۲ فوقانی رفاه واحد ۲۲۸ - تلفن: ٦٦٧٦٩٧٠-

۰۹۱۷۳۰۱۰۹۲۲-٦٦٧٩٦٣٠ تنفكس: ٦٦٧٩٦٣٠

◄ آدرس: روبروى اتكا، جنب يارك صفا، سمت جي ساختمان آيدين

◄ تلفن ٦٦٨٢٩٠٢

سالن زیبایی ملودیا

شینیون با موهای اضافہ- بافت آفریقایی بہ سبک های مختلف

اکستنش مو- انواع رنگ هایلایت - سان لایت - مووی لایت- هاف لایت - میکاب های

مینیاتوری - خلیجی- کوپ های فانتزی

و پاکسازی پوست

صنایم گام

يلاست جنوب

سرش را برداشت، چشمانش را دیدم، خمار پلک هایش بی رمق بود و سحرانگیز، گوی ستاره باران بود و توفندگی موج ها و آرامش ساحلی ، موی محاسنش لطیف بود و براق. همیشه از قافله ای می گفت که رفته بود و او را نبرده بود. این را من از صفحه اول دفترچه اش فهمیدم . می دانستم خاطراتش را در دفتری که همیشه بوی گل یاس می داد ، مى نويسد . حالا او رفته بود و قافله دوستان را نبرده بود. خبر شهادتش درکوچه های غم گُرفته که پراز عکس شهید و کشته بود ،

یاس می داد...

مى زدم به خاطره اى مربوط به فتح شهر "فاو" رسیدم: خدا فاو را به سربازانش هدیه داد بچه ها پیروزی بزرگ را تبریک می گفتند استفاده دشمنان از گاز شیمیایی رفت و آمد

و چه و داع تلخی بود، قلب هایمان را با سعید در كفن پيچيديم و در جوار ياران گذاشتيم. دفترچه سعید را ورق می زدم . انگار خودش بود که برایم می خواند. دفترچه ای که بوی گل اشعار و خاطراتش که سعید را در مقابل چشمانم ظاهر می کرد . همینطور که ورق

سعید را بر شانه هایمان تا گلزار شهدا بردیم

یک لحظه احساس می کردم راه را عوضی آمده ام ، چشمانم سیاهی می رفت ، موتور را نگه داشتم و پیاده شدم . وزن بدنم که روی پاهایم افتاد نتوانستم خودم را کنترل کنم. چند لحظه بي حال افتاده بودم. با خودم گفتم اگّر بنشینم ممکن است بی هوش بشوم و کسی هم مرا پیدا نکند . "یا مهدی" گفتم و برخاستم و افتان و خیزان در حاشیه جاده می رفتم ، چشمانم جایی را می دید، زبانم مثل یک تکه چُوب خُشك در دهانم افتاده بود ، هوا داغ بود و خورشید بالای سرم بر دشت می تابید . يكباره احساس عجيبي وجودم را فراگرفت. ی با دردم هوا خنک شده است . نوری آبی رنگ مثل سپیده صبح همه جا را فرا گرفت. کوزه پیرمرد یر از شیر بود ، نفسم را زنده کرد

و رفت . وقتى به خودم آمدم ، حسابى از من

نفس عمیقی کشید و گفت همان شیر، ریه هایت

قدمی نرفته بودم که یک خودرو ارتش از سر پیچ ظاهر شد و با همان ماشین خودم را به اکیپ بهداری رساندم. علائم نشان می داد که مسموم شده ام. همراه عده ای دیگر مرا به بیمارستان بزرگ و مجهزی در تهران بردند. پزشک معالج بعد از معاینه رو به من کرد و گفت: بعد از مسمومیت چه خوردی؟ گفتم یادم نیست و یکباره به یاد جریان پیرمرد وشیر افتادم و گفتم: چرا ، کمی شیر خوردم. دکتر گوشی را ازگوشش برداشت و دور گردنش انداخت ،

را نجات داد وگرنه معلوم نبود الان اینجا با من و این خاطره ای بود از یک امداد غیبی که آن را برای این نوشتم که حقانیت راه عاشقان فرامو ش نشو د.

دفترچه سعید در میان دستانم مانده بود. دستم رأ بر گونه ام كشيدم تا اشكهايم را پاک کنم . دیدم دستهایم بوی گل یاس

دیوارهای کاهگلی مان را در هم ریخت *******

آدينه سبز می دانم آدینه ای خواهی آمد

که سحر گاهش سوای همه ی روزهاست خورشید شادمانه ترین طلوعش را خواهد

و در پیکر بهار به تو خوشامد خواهند گفت و جهان دوباره طعم محبت و دوستی را

چهار فصل یکی خواهند شد

تو خواهی آمد و تشنگی قرن ها را فروخواهي نشاند

دادنامه

شماره پرونده/ شماره دادنامه و تاریخ دادنامه : ۹۱/۱۰۱/۸٥ = ک

شاكى: عيسى فرهادپور فرزند على ساكن رو دان برنطين جنب شركت

در خصوص اتها محسن صبور فاقد مشخصات کامل دائر بر ایراد جرع عددی و سرقت مقرون به ازار: به این شرح که حسب کیفرخواست غیابی صادره و شکایت او لیه شاکی در مررخ ۲۰۸۰/۸۸ متهم به مناورین انتخالی ایراد ضرب اقدام به اخذ رجه به میلغ پنج هزارتومان از شاکی عیسی فرهادپور می نماید و اقدامات دادسرا و مامورین انتظامی و این دادگاه مهما تحضار و جلب ری تاکنون منجر به نتیجه نگریدید است اذا با توجه به شکایت شاکی کیفرخواست غیابی صادره نظریه پزشکی قانونی بزهکاری وی را محرز و مسلم مجازت اسلامی و با رعایت ماده ۲۰۲ و بند به ماده ۶۸۶ و ۲۸۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۲۸ وی را را ز جهت ایراد ضرب نسبت به شاکی از جهت آخیودی زیر چشم راست به پرداخت سه هزارم دیه کامل و از جهت کیودی زیرچشم چپ به پرداخت سه هزارم دیه کامل و از جهت شکستگی استخوان بینی به پرداخت دد درصد دیه کامله و از جهت شکستگی استون موقون

رداخت ده درصد دیه کامله در حق شاکی و از جهت سرقت مقرون

ازاد مضافاً بر استرداد وجوه و قابل وآخواهي در اين دادگاه مي

مدیر دفتر شعبه 101 کیفری رودان

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

پیرو آگهی های قبلی بدینوسیله به شرکت ساحل سبزسپهر به مدیرت آقای علی ذاکری قعلا مجهوال المکان ابلاغ می می شود به موجید دادنامه می شماره می ۱۸-۱۸-۱۸ پرونده کلاسه موجید بدادنامه می شماره می ۱۸-۱۸-۱۸ پرونده کلاسه به خواسته تمطالبه محکوم به پرداخت مبلغ ۲۰۰/۱۸۰۷ ریال امرا خواسته و میلغ ۲۰۱٬۵۰۳ ریال موارد در حق خواهان شده اید. رای صادره غیابی و ظرف مدت ۲۰ روز از تنظیم تازیخ بس از انتضاء مهاک دادخواهی ظرف مدت ۲۰ روز از انتضاء مهاک دادخواهی ظرف مدت ۲۰ روز از انتضاء مهاک دادخواهی ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر در محاکم تجدید نظر در محاکم تحدید نظر در محاکم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد.

رئيس شعبه سوم دادگاه حقوقي بندرعباس -علیزاده تاریخ: ۸۶/۱۲۱ شماره: ۱۸/۸۶

آگهی وقت رسیدگی

در اجرای ماده ۱۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری بدینوسیله به قایاِن حسین باعثی (آزادی) فرزند خسرو و مجید جهانشاهی ابلاغ ى گردد حسب محتَّويات پرونده كلاسه ١٧٨٥ متهمند به رديف اولَّ

می کردند حسب مصورتات پرویده کلاسهٔ ۱۸۰۸ منهمند به دریف اول حمل و نگهداری هشتاد و چهارکیلو و سیصد گرم تریاک و ردیف درم پنجاه و شش کیلو و هفتصد گرم تریاک برای روزسهٔ شنبه مورخ ۱۸۳۲۸ ساعت ۹ صبح پرونده مقید به وقت رسیدگی می باشد لذا جهت رسیدگی و دفاع از اتهام منتسبه در این دادگاه در و قت فوق حاضر شوید در غیر اینصورت دادگاه غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمو د.

مدیر دفتر دادگاه انقلاب اسلامی - کمالی

تاریخ:۸۶/۷۱۵ شماره:۱۲/۸۵

جدید نظر استان مرمزگان می باشد.

خصوص اتهام حسن صبور فاقد مشخصات كامل دائر بر ايراد

امهم، بیراد جرح مرجع رسیدگی: شعبه۱۰۱ جزائی رودان گردشکار: دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

و دنیا رنگ دیگری خواهد گرفت

دور شده بود. برسر جاده رسیده بودم ، چند

زبانکده پردیس

◄ مركز اصلى پخش و فروش كتب زبانهاي خارجي ◄ تخفيف ويژه كتابفروشي ها و مراكز آموزشي ◄ آدرس: بندرعباس، گلشهر، چهارراه رسالت، ساختمان بنیاد، طبقه همکف تلفن: ۶۶۸۱۷۱۰ ۶۶۸۱۷۱۲ ، زبانکده پردیس

کانون ترجمه

بندرعباس- گلشهر - ٤ راه رسالت - ساختمان بنیاد - طبقه همکف - زبانکده پردیس-تلفن :٦٦٨١٧١١ - ٦٦٨١٧١١



انگليسي- عربي - آلماني- فرانسه

رسمی - غیررسمی



✓ با تائید دادگستری - وزارت خارجه - سفارت

- ۱۹ م سریب و برحم ردن حم سویی مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۱ جزائی رودان گردشکار: دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

می نماید رای صادره غیابی و ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در همین دادگاه و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد.

دادرس 101دادگاه جزائی رودان -بایسته

متهم: محمدتقی کیانوش مجهول المکان اتهام: خیانت در امانت مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه حقوقی

ر خصوص اتهام آقاي محمدتقي كيانوش مجهول المكان دائر بر خیانت در امانت دادگاه با ترجه به قرار مجرمیت بشماره ۶۰۰-خیانت در امانت دادگاه با ترجه به قرار مجرمیت بشماره ۶۰۰-۸۵/۷/۲۹ می کیفرخواست غیابی شماره ۷۲۰-۸۰۷۹ مشکایت شاکی و شهادت شهود و تحقیقات معموله و احضار متهم از طریق

نشر آگهی به لحاظ مجهوال المکان بودن و متواری بودن متهم بر طریق نشر آگهی به لحاظ مجهوال المکان بودن و متواری بودن متهم بره انتسابی به ایشان را محرز و مسلم دانسته و به استناد ماده ۱۷۶ قانون مُجازات اسلامي نامبرده را به تُحمل يكسال حبس غيابي محكوم می نماید رای صادره غیابی محسوب و ظرف مهلت ده روز از ایلاغ قابل اعتراض در همین دادگاه و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد.

آگهي احضار متهم و ابلاغ وقت

مجهول المكان بودن به آقای ناصر نیازمندی اهل قم ابلاغ می گردد روز یکشنبه مورخ ۸٦/۱/۲۱ ساعت ۱۱ صبح در محل شعبه ۱۰۱ جزائی رودان حاضر در صورت عدم حضور رای مقتضی صادر

شماره پرونده/ دادنامه و تاریخ دادنامه: ۲۱۷/۱۰۱/۸٥ - ۷۳٥ ۸۰/۱۰/۱۰ شاکی: غلام راستین ف مراد- رودان روبروی فرمانداری متهج: ا-اسلام کریمی ف علی ۲-ابراهیک کریمی ف نادر ۲-عیاس کریمی ف قاسم هر سه مجهوال المکان اتهاج: سرفت مسلحانه

دادنامه

رای دادگای در خصوص التهام آقایان ۱ سلام کریمی فی علی ۲-ابراهیک کریمی در خصوص التمان داد بر بر شرکت در خصوص التمان داد بر بر شرکت مسلمانه ناصرآباد جفین دادگاه با ترجه به قرار مجرمیت در سرفت مسلمانه ۱۵۰۸ می کرفرخواست غیابی شماره ۲۳۰ فرار مجرمیت فی شماره ۱۳۸۰ می گزارش مرجع انتظامی و شکایت شاکی مفتار ذکرگی جلید های مگر بلاا فرمانده آنهام انتشابی به ایشان را محرز و مسلم جلید های مگر بلاا فرمانده آنهام انتشابی به ایشان را محرز و مسلم نامیردگان را به تحمل هفت سال حیس تعزیری غیابی محکوم می نامیردگان را به تحمل هفت سال حیس تعزیری غیابی محکوم می نقابل عزاض در همیان دادگاه و ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ نقابل اعتراض در معیان دادگاه و ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ تقابل اعتراض در محاکم می محترم تحدید نظر استان هرمزگان می راشد. قابل اعتراض در محاکم محترم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد. آ ج ۲۱ / ۱۱ / ۸۵

دادرس ۱۰۱ دادگاه جزائی رودان -بایسته

۱/۱۸۳۱ شکارش مامورین
متهم: ۱-عبدالرحمن سندرک رفی ۲-عباس خواجه دادی ۳-عبداله
متهم: ۱-عبدالرحمن سندرک رفی ۲-عباس خواجه دادی ۳-عبداله
قریشی ٤-حسین شاهی
اتهام: دایر بر مشارکت در حمل و نگهداری مقدار سیصد و هشتاد
و پنج کیلو و هشتصد و پنجاه گرم تریاک
مرجع رسیدگی کننده: شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس
گردشکار: در خصوص شکایت مامورین انتظامی علیه متهم دائر بر
گردشکار: در حمو و نگهداری سیصد و هشتاد و
پنج کیلو و هشتمد و پنجاه گرم تریاک که پس از وصول پرونده
شبت و اینک در تاریخ فوق ختم دادرسی را اعلام و اقدام به صدور
رای می نماید.

رای می نماید. رای اداگاه: در خصوص اتها م آقایان ۱- عبدالرحمن سندرک زهی ۲-عباس خواجه دادی ۲-عبداله قریشی ٤-حسین شاهی دایر پر مشارکت درحمل و نگهداری مقدار سیصد و هشتاد و پنج کیلو و هشتصد و پنجاه گذر مترابا با ترجه به جمیع محتورتات پرونده تحقیقات صورت گرفته گزارش اداره کل اطلاعات استان هرمزگان تحقیقات صورت خرفته خرارش اداره ها اطلاعات استان هرمرخان صورتجاسه کشف و تست و توزین مواد مخدر کیفیخواست شماره ۴۲۸۱ داداسرای عمومی و انقلاب بندرعباس و سایر قرایان و امارات منعکس در پرونده منجباه متواری بودن متهمین و با عنایت به اینکه علیرغم ابلاغ از طریق نشر آگهی در دادگاه حاضر نشده اند و لایحه نیز ارسال ننموده اند و رکیل نیز معرفی نکرده اند و دفاعی از اتهام انتسابی به عمل نیاورده اند اذا برهکاری متهمین محرز و مسلم است اذا دادگاه به استناد بند ۲ ناظر بربند و ۶ عاده محرر و مسلم است اذ ادادگاه به استناد بند ۲ ناظر بر بند ه و ۶ ماده مواردی به آن مواردی به آن مصلحت نظام مصوب ۱۷ آبان مصابحات نظام با اصلاحیه های بعدی و با دراعات ماده ۲۶ قانون آغیز دادرسمی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کهفری هر یک از مشهین ردیف دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کهفری هر یک از مشهین ردیف نقدی و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس ابد محکوم می نفدی و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس ابد محکوم می غیابی است و ظرف ده روز پس از ابلاغ واقعی عادری صادری میادردادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس گردد رای صادره عیاباس گردد رای صادره می باشد.

دادرس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس

کلاسه پرونده ۱۱۶۷/۱/۸۵ / ق دادنامه شماره۲۹/۲۱/۵۸ ۱/۱۸۳٦

دادرس ۱۰۱ کیفری رودان-بایسته

بدینوسیله در اجرای ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری به لحاظ

برگ اجرائیه

سستوم ... نامری جاسکی نام پدر: با وکالت مجتبی جعفری شغل: نشانی محل اقامت: بندرعباس - کارگزاری - مجتمع اداری کارگزاری طبقه اول واحد یک محکوم به: بموجب دادنامه شماره ۱۱۰۱ مورخ ۸۰/۱۰/۲۸ دادگاه حقوقی شعبه ٥ که وفق دادنامه شماره ... شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان... قطعیت حاصل کرده است. حکم به الزام آقای اسلامعلی محبی به مطلقه کردن همسرش خانم کنیز ناصری در یکی از دفاتر رسمی طلاق صادر گردید. طلاق صادره بائن خلعی می باشد. رای صادره غیابی است . اخذ هزینه اجرا بر عهده دایره اجرا می باشد.

مستحصان محتورم علیه. نام: اسلام علی نام خانوادگی: محبی نام پدر: گرزعلی شغل: نشانی محل اقامت: شهرستان مجهول المکان بخش... خیابان... کوی... پلاک.... ۱-پس از ابلاغ اجرائیه ظرف مدت ده روز مفاد آن را به موقع اجراء بگذارد. - ترتیبی برآی پرداخت محکوم به بدهد. - مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت ده روز صورت جامع دارائی خود را به قسمت اجراء تسلیم کند اگر

محل امضاء مدير دفتر دادگاه: سرخايي 8/1/21-محل امضاء رئيس دادگاه و مهر دادگاه: رضا حبيب زاده تاريخ: 8/1/21 شماره: 26/دريا



درس: یادبود، جنب درمانگاه مدنی، مجتمع سهیل، طبقه اول ۱۷۱۳۰۸۸۳۷

شماره پرونده/ شماره دادنامه و تاریخ دادنامه: ۴۷۱/۱۰۱/۸٥=ک شاكى: كلثوم شريفي فرزند عباس ساكن رودان اسلام آباد جنب

مدرسه دخترانه مكتب الزهرا متهم: ١-داوود اميري ٢-مصطفى شريفي فعلا مجهول المكان

رای دادگاه در خصوص اتهام ۱-دارود امیری ۲-مصطفی شریفی فعلا مجهول المکان دائر بر تخریب . حسب شکایت مجید میررستمی و کلثوم شریفی دادگاه با توجه به قرار مجرمیت به شماره ۲۹۹ مورخ ۸۹/۷/۲۹ و کیفرخواست شماره ۷۲۷ مورخ ۲۸/۷/۲۹ و شکایت شكات، شهادت شهود و احضار متهمين از طريق نشر آگهي با توجه به متواری بودن و مجهول المکان بودن آنها برّه انتسابی به ایشان را محرز و مسلم دانسته و به استناد ماده ۲۷۷ از قانون مجازات اسلامی هریک از نامبردگان را به تحمل یک سال حبس غیابی محکوم

دادنامه شماره پرونده: دادنامه مورخ: ۲۷۲/۱۰۱/۸۵ /ک - ۱۱/۱۵۸ ۸۸

گردشگار: " د ادگاه با بررسی اوراق و محتویات موجود در پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید. رای دادگاه

دادرس شعبه 101 جزائي رودان

تاریخ:8/۱۲/۱۶ شماره:84/۱۰۱۸۵/ک

. المهای شرکی شده این مصر مسید سخوب بر استصوریسد و رئیسوری می در مسوری می از مسید از مسید از مسید از بوست. است این دارد صرح اعلام نماید مرکاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای کمج و پرداخت محکوم به بوده اید ، لیکن برای فرار در پرداخت اموال خود را معرفی نکنید یا صورت خلاف واقع از دارائی خود بد هید به نحوی که اجرای احکام مدنی می باشد به مواردی از قانون اجرای احکام و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۷/۱۲۱ و همچنین مقاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ۱۳۷۷ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است توجه نموده و به آن عمل نماید.